



واکاوی معنای «کلمه طیبه» در آیه ۲۴ سوره ابراهیم بر پایه قرائن درون متنی، بینامتنی و فرامتنی

احسان ابراهیمی^۱

مجید احسن^۲

ندا نصیری مبارکه^۳

چکیده

آیه ۲۴ سوره مبارکه ابراهیم به دلیل ایجاز و اتقان در برهان و برتری تعبیر، از غر آیات قرآن کریم است. خداوند بلندمرتبه در این آیه با تمثیل «کلمه طیبه» به «شجره طیبه»، مخاطب را به تأمل عمیق در آیه فراخوانده است. مفسران گرانقدر در تبیین آیه، بیشتر به توضیح شجره طیبه پرداخته و پیرامون معنای «کلمه طیبه» کمتر نظری داده و به ذکر مصادیقی از آن بسنده کرده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی حقیقت «کلمه طیبه» در آیه ۲۴ سوره ابراهیم با استناد به قرائن درون متنی و بینامتنی و فرامتنی با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد حقیقت «کلمه طیبه» اعتقاد راسخ قلبی همراه با اخلاق نیکو و کردار نیک است. پشتوانه این معنا، قرائن درون متنی همچون واژه‌پژوهی، نکات نحوی و بلاغی موجود در نص آیه و نیز سیاق آیات و ساختار و غرض سوره است؛ همچنان که دلالت‌های بینامتنی همچون آیات و روایات مرتبط و قرائن فرامتنی نظیر جو و فضای نزول سوره نیز این معنا را تأیید و تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: کلمه طیبه، آیه ۲۴ سوره ابراهیم، تفسیر ادبی.

۱. استادیار گروه تفسیر مجتمع آموزش عالی امام خمینی؛ ehsan_1144@yahoo.com

۲. استادیار گروه فلسفه دانشگاه امام صادق (ع)؛ hsan.majid62@gmail.com

۳. دانش‌آموخته سطح ۴ تفسیر تطبیقی مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (ع)؛ n.mobarake313@gmail.com

۱. طرح مسئله

بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم به مباحث اعتقادی اختصاص داشته و این مسئله، نشانگر توجه فراوان این کتاب آسمانی به تبیین مسائل اعتقادی و پاسخگویی به نیازهای اعتقادی بشر در حوزه باورهای بنیادین است. قرآن مجید با فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین عبارات و جملات، مسائل اعتقادی را تبیین کرده و از آنجاکه توحید مبنایی‌ترین آموزه اعتقادی است، همه باورهای دینی و عقیدتی را بر محوریت توحید بیان می‌کند. همچنین اصلاح مبانی فکری انسان، به میزان درستی و صحت باورها و عقاید اوست؛ از این رو، هدایت انسان بر پایه اعتقادات صحیح او شکل می‌گیرد. در این راستا، آیه ۲۴ سوره ابراهیم معارف دقیق و ارزشمندی را ارائه کرده که با نوع تعبیر و تمثیل به کار رفته در آن، از غرر آیات قرآن به شمار می‌رود و خدای حکیم از نزول آن، هدف خاصی داشته است. عبارت «کلمه طیبه» در این آیه، فقط یک بار در قرآن به کار رفته و مفسران در مورد حقیقت و معنای آن، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه داده‌اند؛ مانند: توحید و شهادت به یکتایی خدا؛ قرآن؛ تسبیح و حمد؛ استغفار و توبه؛ دعوت به اسلام؛ طاعتی که خدا به آنها امر کرده؛ روح پاک و روح مؤمن و عقاید حق. بررسی دیدگاه‌های یادشده نشان می‌دهد بیشتر مفسران فقط به ذکر مصادیق «کلمه طیبه» بسنده کرده و استنباط و تحلیلی کامل و فراگیر برای دستیابی به حقیقت «کلمه طیبه» انجام نداده‌اند.

توضیح آنکه آیات قرآن کریم، بسان هر سخن دیگری، از یک سو با حروف، کلمه‌ها و جمله‌ها پدید آمده‌اند و از سوی دیگر، با دیگر گفته‌ها و نوشته‌های گوینده حکیم آن

ارتباط دارد. همچنین این آیات در اوضاع گوناگون فردی و اجتماعی صادر شده‌اند؛ بنابراین، هر یک از این مقیاس‌های سازنده کلام می‌تواند بر مراد گوینده دلالت داشته باشد. در نتیجه، فهم درست و کامل آیات قرآن، در گرو بررسی دلالت آیه در سه محور قرائن درون متنی، بینامتنی و فرامتنی خواهد بود. بررسی اولیه همه قرائن یاد شده، این فرضیه اولیه را به ذهن متبادر می‌کند که «کلمه طیبه» در فرهنگ قرآن به معنای اعتقاد قلبی صحیح همراه با اخلاق نیکو و عمل صالح است.

بر پایه آنچه گذشت، مسئله اصلی در این پژوهش، تبیین و تحلیل آیه ۲۴ سوره ابراهیم و کشف حقیقت عبارت «کلمه طیبه» در جهت رسیدن به تفسیری صحیح و دقیق از کلام الهی است و حقیقت آن با استناد به اقوال واژه‌پژوهان، تحلیل نکات نحوی و بلاغی موجود در نص آیه و بررسی سیاق آیات به عنوان قرائن درون متنی اثبات شده، سپس برای تثبیت و تأیید این معنا، از دلالت‌های قرائن بینامتنی (دیگر آیات و روایات مرتبط) و فرامتنی (جو و فضای نزول) بهره‌برداری می‌شود.

با جست‌وجوهای دقیقی که در منابع مختلف پیرامون این پژوهش صورت گرفت، هیچ تحقیقی یافت نشد که مسئله اصلی و مشخص این مقاله را بحث کرده باشد ولی تحقیقات خاص و محدودی در مورد آیه ۲۴ سوره ابراهیم یا معنای «کلمه» در قرآن انجام شده است؛ برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- سعید واعظ و دیگران در مقاله «نگاهی به کاربرد تمثیل شجره طیبه در بازنمود اصطلاحات عرفان و تصوف، با معرفی مصادیق کلمه طیبه»، (سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۷، شماره دوم، ۱۳۹۳، صص ۳۴۷-۳۶۶). کاربردهای مختلف آیات ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه ابراهیم را که در بردارنده تمثیل شجره طیبه برای تبیین کلمه طیبه است، در متون عرفان و تصوف، و نیز تفاسیر صوفیانه و عارفانه قرآن، به روش اسنادی بررسی کرده است.

- فریبا خاقانی در مقاله «بررسی تحلیلی آیه شجره طیبه در قرآن و انطباق آن بر امام

حسین علیه السلام از دیدگاه مفسران»، (همایش سراسری علمی پژوهشی شناخت اخلاق و آداب حسینی، مقاله کنفرانسی، ۱۳۹۴) شجره طیبه را نهادی دانسته که در استوارکردن توحید در جامعه انسانی نقش بالایی داشته و مردم را به یکتاپرستی و خدامحوری هدایت کرده است. همچنین امام حسین علیه السلام در آیات فراوانی، به عنوان شخصیتی کامل و الگویی نمونه معرفی شده است.

- سید علی رخشان در مقاله «مفهوم و تفسیر «کلمه» در آیات قرآن کریم»، (مجله: آفاق علوم انسانی، شماره ۷۸ (جلد دوم)، مهر ۱۴۰۲، صص ۱۰۷ تا ۱۱۹) معانی کلمه در قرآن و تفاسیر، اعم از معانی حقیقی و مجازی را بررسی کرده و معتقد است کاربردهای فراوان این واژه در قرآن کریم، معانی مختلفی دارد.

- عباس همای در مقاله «تأویل تطبیقی واژه‌های کلمه و شجره»، (مجله: پژوهش دینی، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۲، صص ۲۷ تا ۳۷) کاربرد واژه «کلمه» در مورد حضرت عیسی علیه السلام و تناسب این کاربرد با معنای حقیقی آن در این مورد و موارد مشابه را بررسی کرده است. امتیاز و نوآوری مقاله حاضر، بازپژوهی آیه محل بحث و کشف معنای دقیق «کلمه طیبه» با نگاهی فراگیر به همه قرائن اثرگذار در معنا و با تکیه بر آیات و روایات تفسیری و گزاره‌های تاریخی است که به نظر می‌رسد چنین پژوهش کاملی، از سوی قرآن‌پژوهان و مفسران یا دیگر پژوهش‌ها، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مفاهیم و تعاریف

۲-۱. آشنایی با سوره ابراهیم و آیه مبارکه ۲۴

سوره ابراهیم در مکه و اواخر حضور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این شهر نازل شده است (شرف الدین، ۱۴۲۰: ۲۳۳/۴؛ بهجت پور، ۱۳۹۴: ۳۲۹)؛ بنابراین، به اتفاق دانشمندان علوم قرآن، سوره ابراهیم مکی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱۳/۱۲). محوری‌ترین مباحث این سوره، توحید ربوبی، عزت مطلق الهی و حمیدبودن خدا در افعالش است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۱۲).

آیه ۲۴ سوره ابراهیم: ﴿الْم تَرْكَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾، از آیات برجسته و کلیدی این سوره است؛ زیرا در آن، ایجاز اعجازآمیز، اتقان در برهان، همراهی برهان و عرفان بوده و راهگشای آیات دیگر است. این آیه، عقیده صحیح و محکم را به «شجره طیبه» ای تشبیه می کند که ریشه اش ثابت و شاخه آن در بر فراز زمین است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۹/۴۳). همچنین توحید و ایمان به خدا را اصلی می داند که درخت سعادت آدمی را پرورش داده و شاخ و برگ اخلاق نیک در آن می رویاند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۳۷۱/۴۰).

۲-۲. قرائن درون متنی، بینامتنی و فرامتنی

هر متن و نوشته ای دارای کلمات و جملات و قرائنی برای افاده معناست. برخی از قرائن، «درون متنی» و داخل خود متن هستند اما نباید همه دلالت های متن را فقط در فضای درونی خود آن پنداشت؛ زیرا هیچ متنی در انزوا پدید نمی آید و نمی توان آن را به صورت جزیره ای و بی ارتباط با دیگر متون تفسیر کرد، بلکه هر متنی، هم با پدیدآورنده خود مرتبط است و هم با دیگر متون صادرشده از ماتن که با متن اصلی در ارتباط و به عنوان قرائن منفصل هستند. در این صورت، «قرائن بینامتنی» نام می گیرند و روابط بین متون مختلف ماتن و چگونگی ارتباط و تعامل آنها را بررسی می کند و ابزار سودمندی در خوانش متن محل بحث محسوب می شود. از سوی دیگر، همه قرائن، لفظی نیستند و گاهی قرائن غیرلفظی و بیرون از متن نیز در خوانش دقیق متن و فهم مراد نویسنده تأثیر دارند که «قرائن فرامتنی» نام دارند و باید به هدف شناختی جامع تر نسبت به متن اصلی و در سطحی فراتر از آن، دیگر جوانب بیرونی و مرتبط با متن اصلی را بررسی کرد (ابراهیمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۷۷).

۳. واکاوی معنای «کلمه طیبه» مستند به قرائن درون متنی

برخی قرائن درون متنی و پیوسته موجود در آیه محل بحث، می تواند دلیلی بر این باشد که حقیقت «کلمه طیبه» همان اعتقاد قلبی صحیح همراه با اخلاق و کردار نیک است.

۳-۱. مستند به مفهوم لغوی واژگان «کلمه» و «طیبه»

برخی لغت شناسان کهن، «الکلم» را به معنای جراحت و زخم دانسته و درباره دلالت آن بر «سخن» چیزی نگفته اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۷۸/۵). در ادامه برخی نوشته اند ریشه «کاف و لام و میم» دو اصل معنایی دارد: سخن قابل فهم یا زخم و جراحت (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۵). البته این دو معنا می توانند دو گونه ارتباط باهم داشته باشند:

أ. شدت تأثیر سخن و نفوذ آن بر جان، بسان تأثیر زخم بر بدن است؛ سخن خوب، سبب شادی روح و سخن بد، مایه غم و اندوه می شود (ابن یعیش، ۱۴۲۲: ۷۶/۱).
ب. وقتی انسان زخمی می شود، ندا و ناله سر می دهد و از آن جراحت، سخن دردمندانه می گوید (ثعالبی، ۱۴۱۴: ۱۶۸).

در نگاه برخی دیگر، اصل لغوی در «کلام»، اصواتی است که پی در پی و برای القای معانی و مفاهیم بیان می شوند. اما حقیقت «کلام» همان معنای قائم به نفس در ذهن انسان است که عبارات و اشارات بر آن دلالت می کند؛ چنان که عرب می گوید: «فِي نَفْسِي كَلَامٌ». قرآن کریم نیز می فرماید: «يَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ» (مجادله، ۸). بنابراین، معنای حقیقی «کلام»، معنای درونی و باطنی است، هرچند در کاربرست عرفی، به زبان و سخن اطلاق می شود (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۳۹/۲).

برخی واژه شناسان قرآنی معتقدند اصل «الکلم»، اثری است که با یکی از دو حس شنوایی یا بینایی ادراک می شود؛ «کلام» (سخن) با حس شنوایی و «کلم» (جراحت) با حس بینایی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۲). برخی از محققان معاصر در حوزه مفردات قرآن نیز با روش اجتهادی و بررسی کاربرست های مختلف ریشه «کلم»، به این نتیجه

رسیده‌اند که اصل واحد در این ماده، آشکار کردن اعتقادات و نیت‌ها و افکار درونی هر متکلمی (انسان یا غیر او) و با هر وسیله و ابزاری است. این اصل واحد، در همه کاربردهای گوناگون «کلمه» در قرآن وجود دارد؛ بدون هیچ خصوصیتی برای انسان یا سخن، زبان، فهم و لغت (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰/۱۰۷).

بر پایه آنچه گذشت، در معنای واژه «کلمه» فقط «سخن» و «لفظ» مراد نیست، بلکه اندیشه درونی و نیت باطنی نیز که در سخن و گفتار تبلور می‌یابد، در معنای این واژه دخیل است. این معنای لغوی، همسو با تفسیری است که معنای اعتقاد قلبی صحیح را در واژه «کلمه» اشراب می‌کند.

افزون بر آن، مفهوم‌شناسی واژه «طیب» این برداشت تفسیری را تقویت می‌کند؛ زیرا در نگاه لغوی، «طیب» ضد «خبیث» است (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۳/۱۲۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳/۴۳۵). «خبیث» نیز در لغت، دارای معانی زشتی، ناپسندی، فساد، پلیدی و پستی و ناپاکی است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴/۲۴۸؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۴/۳۲۵). بنابراین، واژه «طیب» در نگرش لغوی صرف، دربردارنده مفاهیمی همچون بهتری، نیکویی، صلاح و سودمندی و طهارت است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۷/۴۶۱؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۴/۲۹؛ مهنا، ۱۴۱۳: ۲/۱۱۳).

در نگرش برخی واژه‌پژوهان قرآنی، اصل «طیب» هر چیزی است که برای حواس ظاهری انسان یا نفس و جان او لذت‌بخش باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۷). در نگاه برخی محققان معاصر، در حوزه مفردات قرآنی معاصر نیز مفهوم محوری در ماده «طی‌ب» امر مطلوبی است که پلیدی ظاهری یا باطنی ندارد و بر خلوص و طهارت و کامل بودن آن امر دلالت می‌کند (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۷/۱۵۱). بنابراین، «کلام طیب» بیانگر کامل بودن، تمامیت، صداقت و سودمند بودن کلام است.

با توجه به آنچه در مفهوم‌شناسی «کلمه» گذشت (که نشان می‌داد در معنای آن، افزون بر سخن و لفظ، مفهوم اندیشه و نیت نیز نهفته است)، و همچنین اضافه شدن قید «طیب» به آن (با در نظر گرفتن مفهوم لغوی «طیب» یعنی بهتری و نیکویی)، چنین

نتیجه‌ای قابل استخراج است که «کلمه طیه» یعنی سخن با پشتوانه اندیشه‌ای نیکو و پیراسته از تزلزل و شک که بی‌شک در خارج می‌تواند با آثار و نشانه‌هایی همچون اخلاق و اعمال نیکو مصداق یابد.

در ادامه، فارغ از مفهوم لغوی دو واژه «کلمه» و «طیه»، معنای قرآنی عبارت «کلمه طیه» با استناد به دیدگاه‌های مفسران و در راستای دستیابی به معنای حقیقی این عبارت، بیان می‌شود:

۳-۲. مستند به ترکیب «کلمه طیه»

پس از بررسی لغوی دو واژه «کلمه» و «طیه»، ترکیب این دو در آیه محل بحث نیز معنایی به دست می‌دهد که مفسران بدان پرداخته‌اند. چنان‌که پیش‌تر و در طرح مسئله گذشت، معانی گوناگونی از سوی مفسران در بیان مقصود «کلمه طیه» گذشت. برخی مراد از آن را کلمه توحید یعنی شهادت به یکتایی خدای والا دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۰/۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵۳/۲؛ حقی برسوی، بی تا: ۴/۴۱۴؛ الزرعی، ۱۴۲۷: ۱۵۵). به باور برخی نیز «کلمه طیه» هر کلمه نیکویی است، مانند قرآن (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۵۱/۱۲؛ حقی برسوی، بی تا: ۴/۴۱۴) یا تسبیح، حمد، استغفار، توبه، دعوت به اسلام (حقی برسوی، بی تا: ۴/۴۱۴).

بعضی معتقدند «کلمه» طاعاتی است که خدای سبحان به انجام دادن آن‌ها امر کرده و بدین سبب به «طیب» وصف شده که برای عامل خود، خیر و برکت به همراه می‌آورد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۸۰/۶؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۵/۷). در نگرش مفسران دیگری، «کلمه طیه» روح پاک و مؤمن است که مراحل اخلاص را طی کرده و به درجه یقین رسیده و از مخلصین شده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۳۰۴/۲). اکنون با توجه به مباحث ادبی در آیه و مستند به قرائن درون‌متنی و پیوسته در آن، می‌توان به دیدگاه درستی در کشف معنای «کلمه طیه» و اثبات فرضیه تحقیق یعنی اعتقاد قلبی صحیح همراه با اخلاق و کردار نیک رسید.

۱-۲-۳. نکات صرفی «کلمه طَیِّبه»

واژه «طَیِّبه» صفت برای «کلمه» است (محي الدين، ۱۴۱۵: ۱۸۷/۵) و با توجه به معنای لغوی طَیِّب (که بیانگر امر مطلوب و مطبوع و نیکو است و مصادیق مختلفی می تواند داشته باشد) و همچنین با توجه به مقصود بودن اندیشه و نیت در معنای «کلمه»، ترکیب صفت و موصوفی «کلمه طَیِّبه» می تواند به معنای اندیشه استوار و نیت مطلوب و نیکویی پیراسته از فساد و ناپاکی باشد.

براین پایه، امور اعتقادی، اخلاقی و فقهی همچون ایمان، هدایت، اطاعت، امر به معروف، نهی از منکر و ذکرهای تسبیح، تحمید، تهلیل و تکبیر، همگی مصداق کلمه هستند ولی جامع همه آن ها، در اعتقاد صحیح و توحیدباوری است که سرچشمه همه آنها به شمار می رود؛ چون انسان دارای باور و عقاید پاک، موحدی است که اخلاق و اعمال نیکو هم دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۵۹/۴۳). بنابراین، هر کس این کلمه را که همان باورداشتن عقاید حق و در رأس آن توحید است، در قلبش با حقیقتش استوار کرده و وجودش به آن متصف شود، طبایات بسیاری را به بار آورده و پیوسته اعمال و اخلاق نیک را برای او ثمر می دهد (الزرقی، ۱۴۲۷: ۱۵۷). در نتیجه، مراد از «کلمه طَیِّبه» که به درخت طیب تشبیه شده و چنین صفاتی دارد، عقاید حقی است که در اعماق قلب و در نهاد بشر ریشه دارد و منشأ صدور اخلاق و کردار نیکو از انسان می شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۳/۱۲).

۲-۲-۳. نکات نحوی در «کلمه طَیِّبه»

خداوند با آوردن صیغه ماضی «ضَرَبَ» و حرف «لَمْ» در «أَلَمْ تَرَ» در آغاز آیه ۲۴ سوره ابراهیم که برای نفی فعل در زمان گذشته است، به توجه در آیه و شناخت پیدا کردن نسبت به این مَثَل و مِمَثَل (یعنی دعوت به داشتن اعتقاد صحیح) تشویق و ترغیب می کند.

استفهام در عبارت «أَلَمْ تَرَ» انکاری است و مخاطب را در جایگاه کسی می‌نشانند که در گام نخست نمی‌داند، سپس علم نداشتن او را انکار می‌کند؛ زیرا خدای والا در آیات فراوانی، این آگاهی را به انسان‌ها داده که برای رسیدن به سعادت باید از عقیده درستی برخوردار باشند. گرچه این استفهام می‌تواند کنایی و به هدف تحریک مخاطب برای آگاهی یافتن از حقیقت کلمه طیبه هم باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲/۲۵۰).

چنان‌که در مباحث لغوی اشاره شد، واژه «طِيبَةُ» در جمله «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً» صفت برای «کلمه» است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۶۱/۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۶۳/۱). چیزی طیب است که مطلوب بوده و از ناپاکی به دور باشد؛ بنابراین، «کلمه طیبه» (با توجه به اشراق مفهوم اندیشه در «کلمه») می‌تواند این معنا را برساند که اندیشه و نیتی سالم که منزله از فساد است.

همچنین عبارت «کلمه طیبه» عطف بیان برای «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۹۲/۱۹). در این صورت باید لفظ «جعل» یا «اتخذ» را در تقدیر گرفت؛ یعنی «جعل أو اتخذ کلمة طيبة كشجرة طيبة» که تفسیری برای جمله «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۵۳/۲). در نتیجه، می‌توان مدلول آیه را چنین بیان کرد که خداوند اندیشه درست را به شجره طیبه تشبیه کرد و این همان معنای «اتخذ کلمة طيبة كشجرة...» است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۱/۱۲). این عقیده صحیح مانند درخت سالم و دور از فساد است؛ درختی ریشه و تنه و شاخه دارد و بسیار ثمر می‌دهد. در نهایت، چه بسا بتوان گفت «کلمه طیبه» یعنی همان اندیشه و نیت صحیح که بسان شجره طیبه و مثمر، به صدور اعمال و اخلاق نیک از انسان منجر می‌شود.

۳-۲-۳. نکات بلاغی

با توجه به آنچه در مباحث ادبی قبلی در معنای «کلمه طیبه» گذشت، بررسی آیه از جهت بلاغی هم آن معنای مطرح در فرضیه تحقیق را تقویت می‌کند. در آیه محل بحث، کلمه طیبیه به شجره طیبه مانند شده که در آن «کلمه طیبه»، مشبه و «شجره طیبه» مشبه به است. وجه شبه آن نیز، استوار بودن، طیب بودن، بلند و آفتاب گیر بودن و همواره میوه دادن است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۴۹/۴۳).

خدای والا در تشبیهی واضح، «کلمه طیبه» (که طبق مباحث قبلی، دربردارنده اندیشه مطلوب و نیت دور از فساد بود) را به درختی نیکو با ریشه‌ای استوار مانند کرده که شاخه‌هایش بر فراز زمین است و پیوسته میوه می‌دهد. برخی معتقدند این تشبیه، مطابق با درخت توحیدی راسخ در قلب انسان است که دارای شاخه‌های اخلاق نیکو و اعمال صالح است که طبق آیه مبارکه ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ (فاطر، ۱۰) به آسمان بالا می‌رود (الزرعی، ۱۴۲۷: ۱۵۵). بنابراین، مبدأ در حوزه معرفت که همان اندیشه سالم و راسخ در قلب است، به ریشه درختی تشبیه شده است (طوسی، بی تا: ۲۹۱/۶).

در آیه فوق، خطاب به پیامبر اکرم ﷺ و همه مؤمنان، یک مطلب مهم عقلی به صورت مثل بیان شده است (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۵۹/۵). طرح این پرسش، مقدمه چینی برای ورود به اصل موضوع است. مقصود از دیدن در ابتدای آیه، دانش و آگاهی است؛ زیرا بدیهی است «مثل» قابل دیدن نیست، بلکه می‌توان آن را فهمید (بروجردی، ۱۳۹۷: ۴۱۲/۴). قرآن کریم به جای استفاده از عبارت «الم تسمع» یا «الم تخبر»، تعبیر «رؤیت» را به کار برد؛ زیرا این تعبیر بر صدق اخبار الهی تأکید دارد، به این دلیل که دیدن همیشه یقین بخشتر است (یاسوف، ۱۴۱۹: ۱۱۵). گرچه قرآن حکیم، در تمثیل‌های زیادی به رؤیت و نظر دعوت می‌کند اما این دعوت‌ها با هم تمایز دارد؛ در بعضی تنها مثل مطرح شده و مفسر باید درباره آن تفکر کند اما در تمثیل «کلمه طیبه» فرمود: «مثل کلمه

طیبه کَشَجَرَة طَیْبَة»، بلکه فرمود: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً»؛ یعنی به نظریه پردازی در کیفیت تمثیل فراخوانده و دعوت به تأمل در کیفیت کار خدا و کیفیت مثل زدن خدا کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۵۴/۴۳).

افزون بر نکته بلاغی پیش گفته، عبارت «کلمه طیه» به صورت نکره آمده و در نتیجه، عمومیت آن را می‌رساند^۱ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۳/۱۲) و هرگونه اعتقاد صحیحی را در بر می‌گیرد که آثار مثبتی را برای انسان به دنبال دارد (جعفری، ۱۳۷۶: ۵۵۹/۵). به دیگر سخن، نکره بودن «کلمه طیه» شامل هر امر نیکی در تمام قلمروهای دلالتی و واقعی آن می‌شود؛ عقیده و معرفت صائب باشد یا عمل و سخن نیک، حتی اشخاصی ویژه (همچون معصومان) که تبلور و تجسم اعتقاد صائب یا سخن نیکو هستند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۶۵/۱۶).

گفتنی است که مَثَل در آیه محل بحث، از مواردی نبوده که پیش از نزول آیه ذکر شده باشد و این آیه آن را ابداع است. بنابراین، عبارات آیه به شناخت خود این مثل تشویق می‌کنند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۴۹/۱۲) و حکمت بیان آن، یادآوری عهد الهی و معارف نهاده شده در فطرت انسان است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۵۰/۴۳). بر پایه این تمثیل، اعتقاد صحیح در زمین روح مؤمن می‌روید و دیگر عقاید صحیح بر تنه آن جوانه می‌زند و فضایل اخلاقی هم از آن جوانه‌ها نشأت می‌گیرد و اعمال نیکو نیز به صورت میوه از آن‌ها سر می‌زند (محمد قاسمی، ۱۳۸۲: ۱۶۶).

۱. نکره در سیاق اثبات نیز در صورت وجود قرینه یا سیاق کلام، همانند نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌کند؛ نظیر آیه «عَلِمْتَ نَفْسَ مَا أَحْضَرْتَ» (تکویر، ۱۴) که به معنای «عَلِمْتَ كُلَّ نَفْسٍ مَا أَحْضَرْتَ» است (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۳۲۳/۵).

۳-۳. مستند به سیاق آیات

علامه طباطبایی که در تفسیر خود، بخش هایی از آیات را در قالب یک رکوع و گروه می آورد، تفسیر آیات ۱۹ تا ۳۴ سوره ابراهیم را در یک قالب کلی ارائه می دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹/۱۲). بنابراین، دقت در سیاق این دسته از آیات می تواند راهگشای رسیدن به معنای درست «کلمه طیبه» در آیه ۲۴ سوره ابراهیم یعنی همان اعتقاد توحیدی راسخ همراه با اخلاق و رفتار نیک باشد. توضیح آنکه آیات مبارکه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ يَاشُأْ يُدْهِبُكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ * وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ﴾ (ابراهیم، ۲۰-۱۹)، از مخاطبان می خواهد تا در خلقت آسمانها و زمین از سوی خدای سبحان تأمل کنند؛ زیرا بر پایه حکمت الهی و هدفی شایسته است، به گونه ای که هستی و دوام جهان، در گرو اراده و مشیت الهی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۱/۱۲-۴۳). در ادامه، آیه مبارکه ﴿وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا... قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ...﴾ (ابراهیم، ۲۱) به حاضر شدن همه انسان ها در پیشگاه الهی در قیامت اشاره دارد و شقاوت برخی مردم را نتیجه دورماندن از هدایت خدای یگانه و تعالیم توحیدی انبیای الهی می داند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴/۴۳۶).

آیه ۲۲ سوره ابراهیم گویای نقطه مقابل توحید یعنی شرک و نیز سردمدار اصلی آن یعنی ابلیس است و بعد از اشاره به حق بودن وعده های الهی، اعترافات ابلیس در گمراه کردن مردم با وعده های توخالی و خارج ساختن آنان از مسیر توحیدی را ذکر می کند (مغنیه، ۱۴۲۴: ۴/۴۴۰-۴۴۱).

همچنین آیه ۲۳ این سوره که متصل به آیه محل بحث است، بیانگر پاداش مؤمنان معتقد و نیکوکار و نیز صفا و صمیمیت آنان در بهشت است: ﴿وَأُدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ﴾؛ آنگاه در آیه ۲۴، خدای حکیم «کلمه طیبه» یعنی همان عقیده توحیدی پاک و استوار را همانند درخت پاک و طیبی دانسته است که اصلی ثابت دارد و چنان رشد

می‌کند که شاخه‌هایش تا آسمان بالا می‌روند و این درخت همواره میوه می‌دهد، مانند درختان بهشتی که میوه‌های آن دائمی‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۳۵/۴۳).

آیه ۲۵ سوره ابراهیم در مقام بیان دیگر اوصاف «شجره طیبه» است تا معنای «کلمه طیبه» را از طریق این تشبیه، به گونه کامل بیان کند؛ چنان که جمله «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ...» در پایان آیه، این معنا را در ذهن القا می‌کند که تنها راه رسیدن به سعادت، التزام به کلمه توحید و استقامت بر آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۴/۱۲).

در آیه ۲۶ این سوره، خدای حکیم به وسیله صنعت ادبی تضاد، «کلمه خبیثه» را در برابر «کلمه طیبه» قرار می‌دهد تا شناخت بیشتر و کامل‌تری از «کلمه طیبه» به دست آید. خبیث به معنای اعتقاد باطل و ناصحیح و سخن پلید و فاسدی است که ریشه و ثمر ندارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۲) و بر کلمه کفر و شرک تطبیق شده است (امین، بی تا: ۸۵/۷). با توجه به این تقابل، معنای دقیق «کلمه طیبه» یعنی همان اعتقاد درست و صحیح همراه با ثمرات نیکو در اخلاق و کردار انسان تقویت می‌شود.

گفتنی است قول ثابت در آیه ۲۷ سوره ابراهیم: «يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»، بیانی برای «کلمه طیبه» است؛ ولی نه کلمه از زاویه لفظ‌بودن، بلکه از این رو که بر اعتقاد و عزم راسخ استوار بوده و دارنده‌اش به آن پایبند است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۳/۱۲). در نتیجه، «قول ثابت» عقیده و گفتاری برهانی است که در قلب مؤمن، راسخ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۵۱/۴۳).

۳-۴. مستند به ساختار و غرض سوره

ساختار سوره ابراهیم و خطوط کلی معارف آن، بسان دیگر سوره‌های مکی، یادکرد از اصل توحید و منادیان توحیدی یعنی انبیای الهی برای رسوخ ایمان به خدا در قلوب مخاطبان است تا در پرتو آن، گفتار و کردار انسان‌ها نیز روشنایی یافته و در مسیر حق قرار گیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۶/۴۳). بر این پایه، روح معنایی حاکم بر سوره این معنا

را تقویت می کند که «کلمه طیبه» در آیه مبارکه ۲۴، عقیده توحیدی ثابت و راسخ در قلب است که با اخلاق و عمل نیک بالنده می شود؛ زیرا آغازگر سوره، بیان رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله یعنی بیرون آوردن مردم به اذن الهی از تاریکی ها به روشنایی و رهنمود آنان به راه خدای عزیز و حمید است: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم، ۱). همچنین در ادامه و آیات ۲ تا ۸، دعوت به توحید را هدف پیامبران الهی می شمارد. آیات ۹ تا ۱۸ نیز در خصوص مخالفت منکران توحید در برابر دعوت توحیدی انبیای الهی و عقوبت آنان است و خدای والا به ترهیب و ترغیب مشرکان به هدف موحد شدن آنان می پردازد (شرف الدین، ۱۴۲۰: ۲۳۵/۴). روی هم رفته، آیات سوره در صدد تقویت اعتقادات توحیدی مردم و تشویق آنان به باور صحیح و مسئله خداشناسی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۵/۱۲).

همچنین در پایان سوره، کلام الهی را پیامی رهنما برای همگان و رسول خدا را اندازدهنده و معلم توحید می شناساند: ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (ابراهیم، ۵۲). بنابراین، معارف سوره به حقیقت بزرگ توحید ختم شده تا اهداف مهم قرآن (همچون پی بردن مردم به یگانگی خدا و پیشگیری از هرگونه انحراف اعتقادی و عملی) محقق شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶/۱۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۶/۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۹/۱۰).

افزون بر ساختار، نام گذاری سوره به «ابراهیم» که پیامبر بت شکن و قهرمان توحید بود، می تواند مؤیدی بر برداشت تفسیری پیش گفته از «کلمه طیبه» باشد. همچنین غرض سوره که برآیند ساختار و بافتار سوره است، بر این مطلب و معنا صحه می گذارد؛ چنان که مفسران گرانقدر، عنصر محوری سوره را توحید ربوبی و عزت مطلق الهی و حمید بودن خدا در افعالش دانسته اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱/۱۲) و برخی دیگر نیز به هدف توحیدی سوره تصریح کرده اند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۹۱/۴۳).

بر پایه آنچه در قرائن درون متنی گذشت، مقصود از «کلمه طیبه» تنها سخن و لفظ

نیکو نیست، بلکه این ترکیب قرآنی، هم می‌تواند به خاستگاه سخن جاری بر زبان یعنی اندیشه و نیت مطلوب اشاره داشته باشد و هم به آثار سودمند آن در تحقق ملکات اخلاقی نیک و اعمال صالح.

۴. واکاوی معنای «کلمه طیب» مستند به قرائن بینامتنی

تحلیل خانواده آیات و روایات مرتبط که به مثابه قرائن بینامتنی منفصل هستند، می‌تواند راهنمای دستیابی به معنای دقیق «کلمه طیب» باشد:

۴-۱. آیات مرتبط

در این بخش برای یافتن معنای درست «کلمه طیب»، تمرکز بر بررسی آیاتی است که دارای ترکیب مشابه با «کلمه طیب» یا یکی از دو مفرد «کلمه» و «طیب» باشند.

۴-۱-۱. آیه بیانگر صعود «کلام طیب» سوی خدا

برخی مفسران معتقدند که در آیه مبارکه ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾ (فاطر، ۱۰)، مقصود از «کلم طیب» سخنان نیکویی است که در مقام بزرگداشت خدا و منزه دانستن اوست (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۲۹/۸) یا مراد، هر گفتاری است که دربردارنده یاد خدا یا برای خدا باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶/۲۲۵)؛ در حالی که مراد از «الکلم الطیب» صرف لفظ نیست،^۱ بلکه مقصود لفظی است که معنایی طیب دارد. بر این پایه، «الکلم الطیب» به معنای عقاید و باورهای حقی است که زیربنای اعمال انسان قرار می‌گیرد و قدر متیقن از آن نیز باور به توحید است که خاستگاه دیگر اعتقادات محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۳/۱۷).

۱. زیرا لفظ از اعمال انسان است و عمل نیز اعم از قول و فعل است. پس منظور از کلم طیب اعتقاد پاک و صحیح است نه صرف الفاظ خوب (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۳۱/۶۷).

همچنین برخی تفاسیر، «الکلم الطیب» را باورهای توحیدی دانسته‌اند که مایه عزتمندی مؤمنان می‌شود (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵۴۴/۱۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۷/۹). بعضی مفسران هم نوشته‌اند «کلم طیب»، پیش از عمل صالح، در تمام ابعاد لفظی و اعتقادی و نیت، بر اساس فطرت و عقل و شریعت، پاکیزگی کلی دارد؛ ازاین رو، به خودی خود سوی خدای سبحان بالا می‌رود (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۱۰/۲۴-۳۱۱).

برداشت تفسیری یادشده مؤید روایی نیز دارد؛ چنان‌که حضرت رضا علیه السلام در تفسیر آیه ۱۰ سوره فاطر فرمود: مقصود از کلم طیب، گفتن اعتقادات اسلامی همچون «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» و «علی ولی الله» و خلیفه محمد رسول الله حقا و خلفاؤه خلفاء الله است و این عمل صالح و کارهای شایسته است که آن اعتقادات را بالا برده و تقویت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۸/۶۷-۲۱۱).^۱

۲-۱-۴. آیه بیانگر رهنمون شدن مؤمنان به «قول طیب»

قرآن کریم پس از بشارت مؤمنان نیکوکردار به بهشت و نعمت‌های آن، ایشان را هدایت‌شده به قول طیب و صراط خدای حمید معرفی می‌کند: ﴿وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾ (حج، ۲۴). برخی مفسران مقصود آیه را ارشاد شدن مؤمنان به توحید و حمد الهی، ذکر خدا یا سخنان دلنشین و پسندیده دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۵/۷). برخی نیز معتقدند ارشاد به قول طیب یعنی مؤمنان در دنیا به کلمه توحید و قرآن هدایت می‌شوند (نسفی، ۱۴۴۰: ۴۸۴/۱۰؛ ابن ابی‌جامع، ۱۴۱۳: ۳۳۸/۲).

در روایات تفسیری شیعه، مقصود از «قول طیب»، توحید و اخلاص دانسته شده (قمی، ۱۳۶۳: ۸۳/۲) و به ولایت نیز معنا شده است (قمی، ۱۳۶۳: ۸۳/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۸۶۶/۳). روایات تفسیری اهل تسنن نیز آن را قرآن یا عبارت «لا اله الا الله و الله أكبر ولا

۱. روایات دیگری نزدیک به این مضمون نیز وجود دارد (قمی، ۱۳۶۳: ۵۴۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۵۳۹/۴-۵۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۸/۲۴).

حول ولا قوة الا بالله» دانسته‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۰/۴).

بر این پایه، لفظ بودن «قول طیب» خصوصیتی نداشته و مقصود از آن، هر اعتقادی است که در آن هیچ نوعی از باطل نباشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶۱/۱۴). باوری که سبب طهارت نفس، خلوص قلب و همراه رضایت الهی است (کاشانی، ۱۳۴۰: ۱۳۸/۶)، روح آدمی را نشاط داده و بر رشد معنوی و تکامل انسان می‌افزاید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۵۷/۱۴).

۳-۱-۴. آیه بیانگر تشبیه سرشت پاک به «بلد طیب»

قرآن مجید پس از دستور به مؤمنان مبنی بر یاد خدا و پرهیز از فساد در زمین (اعراف، ۵۵-۵۶)، به معاد و زنده شدن مردگان اشاره داشته و در سوی اثبات زنده شدن مردگان، آن را به زنده شدن زمین‌های مرده، رویش گیاهان و تبدیل دانه‌های بجان به موجوداتی زنده تشبیه می‌کند (اعراف، ۵۷). سپس در تشبیه دوباره‌ای می‌فرماید: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾ (اعراف، ۵۸)؛ گیاهان زمین مرغوب و آماده، به اذن پروردگار، به صورت مرغوب مروید، ولی گیاه زمین نامرغوب، جز به سختی و کندی نمروید.

خدای والا در این آیه، مؤمن را همچون زمین پاکیزه‌ای دانسته که اگر بر آن باران بیارد، دارای گل و میوه می‌شود اما همچون زمین شوره‌زار باشد، اگر باران هم بر آن بیارد، تنها اندک اثری از گیاه ظاهر می‌شود. به دیگر سخن، اگر نفس پاک از آلودگی‌های جاهلیت و اخلاق مذموم پاک شود و نور قرآن بر او بتابد، انواع طاعت و معارف و اخلاق نیک در آن ظاهر می‌شود، درحالی‌که روح ناپاک با تابش نور قرآن بر او، هرگز سودی از معارف و اخلاق نیکو نمی‌برد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹۱/۱۴).

اصل واحد در ماده «بلد» صدر است؛ چنان‌که به بلد، «صَدْرُ الْقُرَى» به معنای قلب روستاها گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۹۸/۱). همچنین به این اعتبار به بلد،

صدر گفته شده که عضوی در بدن انسان است که در آن، افکار و اندیشه هایش مستقر و جمع می شود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۲۹/۱). بنابراین، واژه «بلد» در آیه یادشده می تواند به معنای قرارگاه باشد، خواه زمین باشد یا غیر آن، مادی باشد یا معنوی؛ چنان که درباره قلب نیز به خاطر استقرار نیت های انسان در آن به کار برده شده است. از سوی دیگر، نبات هم به معنای خارج شدن چیزی از مکانی بر اثر رشد است؛ در نتیجه، «بلد» را می توان بر فکر و عقیده ای تطبیق داد که از قلب می جوشد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۲۴۲/۲۹). از آنجا که با صفت طیب همراه شده است، بیانگر عقیده صحیح و راسخ در قلب است که سبب رویدن اخلاق نیکو و اعمال صالح می شود.

بدین ترتیب، آیه یادشده تمثیل عامی است که بر اساس آن، از اعتقاد و سرشت پاک، کارهای نیک و آثار خوب پدید می آید و اعتقاد و سرشت ناپاک نیز منشأ اعمال و آثار پلید است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۱/۸). آری! «بلد طیب» می تواند همان نفس پاکی باشد که با اعتقادات قلبی صحیح رشد پیدا کرده و آثار آن در اخلاق و رفتار و کردار نیک نمود می یابد؛ مشابه همان معنایی که در تمثیل «کلمه طیبه» بیان شد.

۴-۱-۴. آیه بیانگر معیار بودن «خبیث» و «طیب» برای ارزیابی حقایق

در منطق قرآن حکیم، هرگز امور خبیث به ارزش مساوی با امور طیب نخواهد رسید: ﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ...﴾ (مائده، ۱۰۰). در این آیه، مراد از خبیث، افکار و اعمال حرام و مقصود از طیب، افکار و اعمال حلال است (خرم دل، ۱۳۸۴: ۲۲۱). یعنی خبیث و طیب در آیه یادشده، مطلق هستند و هرگونه ناپاکی و پاکی را شامل می شوند؛ افکار و عقاید باشد یا اعمال و رفتار (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹۳/۵). برخی مفسران با محدود ساختن معنای کلمه خبیث و طیب، منظور از خبیث را شرک مشرک (سده، ۱۴۱۴: ۲۳۵) یا کفر کافر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۷۳) و مراد از طیب را ایمان مؤمن دانسته اند (سده، ۱۴۱۴: ۲۳۵). ولی معنای خبیث و طیب محدود نبوده و

شامل هر شخص، شیء یا هر عمل و فکر و اعتقادی می‌شود که بتوان به آن خبیث یا طیب گفت (نجفی، ۱۳۶۳: ۲۷۲).

بر این اساس، امور غیرمادی و معنوی همچون عقاید و اخلاق نیز همانند اشیای مادی و محسوس و اعمال، طیب و خبیث دارند (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۶۲۸/۲۳) و آیه اشاره شده بیانگر این حکم کلی است که ارزیابی حقایق باید از روی واقعیت‌ها و بر پایه خبیث یا طیب بودن باشد نه کمی و زیادی ظاهری. اعتقادات و اعمال یا حتی افراد خوب، پسندیده هستند؛ کم باشند یا بسیار (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۴۷/۳). همچنین رسولان الهی سوی بشر فرستاده شدند تا خبیثها را زدوده و طیبها را رشد دهند؛ از این رو مردم را در تشخیص مصادیق طیب و خبیث، همچون توحید و شرک، ایمان و کفر، حق و باطل، صدق و کذب مدد می‌رسانند (جوادی، ۱۳۹۶: ۶۳۰/۲۳).

بر پایه آنچه در آیات مرتبط به مثابه قرائن بینامتنی برای تبیین حقیقت قرآنی «کلمه طیب» گذشت، کلام طیب و قول طیب و بلد طیب، همگی می‌توانند افزون بر دلالت بر لفظ و سخن، دربردارنده مفهوم اندیشه و باور مطلوب و سالم نیز باشند؛ همان چیزی که شاکله وجودی انسان مؤمن بر مبنای آن شکل می‌گیرد و انسان را به اعلی درجات توحید رسانده، سپس آثار این اعتقاد در اخلاق و رفتار شخص نمود می‌یابد.

۲-۴. روایات مرتبط

روایات بسان آیات مرتبط می‌توانند به مثابه قرائن بینامتنی در فهم مراد آیات الهی در قرآن سودمند باشند. با بررسی روایات مرتبط با «کلمه طیب» این معنا به دست می‌آید که حقیقت قرآنی این عبارت می‌تواند همان اعتقاد قلبی صحیح همراه با اخلاق و کردار نیک باشد.

۱-۲-۴. روایات تفسیری ذیل آیه

روایات تفسیری ذیل آیه ۲۴ سوره ابراهیم بیشتر به معرفی مصادیق «شجره طیبه» پرداخته و آن را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می‌داند. امام صادق علیه السلام درباره «کَشَجَرَةِ طَيِّبَةٍ» فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ أَصْلُهَا، وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ فَرْعُهَا، وَ الْأُئِمَّةُ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا أَغْصَانُهَا، وَ عِلْمُ الْأُئِمَّةِ ثَمَرُتُهَا، وَ شِيعَتُهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ رَقُّهَا...»؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله اصل و ریشه آن درخت و امیرمؤمنان علیه السلام تنه آن و امامان از تبار امام علی علیه السلام شاخه‌های آن و دانش امامان علیهم السلام میوه‌های آن و شیعیان مؤمن نیز برگ‌های آن هستند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۲۸/۱).

در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پس از اشاره به ریشه بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام برای شجره طیبه، شاخه‌های آن را کسانی می‌داند که ولایت حضرات معصومان علیهم السلام را بپذیرند: «النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ الْأُئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ هُمُ الْأَصْلُ الثَّابِتُ وَ الْفَرْعُ الْوَلَايَةُ لِمَنْ دَخَلَ فِيهَا»^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۲۴/۲).

این گونه روایات، از یک سو به تفسیر مفهومی آیه مرتبط نیستند، بلکه از بابت تطبیق کلی بر مصادیق اتم و اکمل است. از این رو، در آن‌ها اختلافاتی در مصادیق شجره طیبه و تنه و شاخه و ثمره آن دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۶۳/۱۲؛ جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۵۹۳/۴۳). از سوی دیگر، در خصوص «کلمه طیبه» ساکت هستند؛ ولی از آن بابت که «کلمه طیبه» به «شجره طیبه» تشبیه شده است، می‌توان دلالت‌هایی برای فهم معنای «کلمه طیبه» یافت. در واقع، این تشبیه و ماند کردن، نشان می‌دهد که میان آن دو اشتراک معنایی وجود دارد. بنابراین، روایات معرفی کننده «شجره طیبه» می‌توانند بیانی برای «کلمه طیبه» هم باشند؛ با این توضیح که «کلمه طیبه» (چنان که گذشت) بیانگر اعتقاد صحیح و راسخ در قلب بود. این باور قلبی می‌تواند در توحید، ولایت و... تبلور یابد؛ زیرا بر اساس روایات، باور و ایمان انسان کامل نمی‌شود، مگر به توحید (ابن

۱. روایات فراوان دیگری، با اندک تفاوتی قریب به همین مضمون را افاده می‌کنند (بحرانی، ۱۴۱۵:

بابویه، ۱۳۸۵: ۲۵۱/۱). از سوی دیگر، حضرات معصومان علیهم السلام نیز ارکان توحید و در امتداد آن هستند؛ چنان که در زیارت جامعه کبیره آمده است: «وَ اَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۶۱۱/۲). همچنین در نگرش بعضی مفسران، مراد از کلمات خدا، می تواند نفوس معصومان علیهم السلام باشد؛ زیرا این نفوس شریف، خاصیت کلام الهی را دارند و همان گونه که کلام از منویات پرده برمی دارد، نفوس معصومان علیهم السلام نیز رازهای غیبی را هویدا می سازند که در رأس آن ها اعتقادات حق است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۰/۱۸).

مؤید دیگر این معناکاو، آیه مبارکه ﴿فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره، ۳۷) است که بر اساس دیدگاه تفسیری معتبر، کلماتی که حضرت آدم از پروردگار خود تلقی کرد و سبب بخشودگی معصیت و پذیرش توبه او شد، با همان اسمائی ارتباط دارد که وی پیش تر از خدای سبحان فراگرفت: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ (بقره، ۳۱) و شایسته خلافت الهی در زمین شد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳۳/۱). همچنین در روایات تفسیری، مراد از این اسماء، ذوات مقدس ائمه معصوم علیهم السلام دانسته شده است (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱۶۴/۱).

بر این پایه، می توان گفت روایات تطبیقی پیرامون مصادیق شجره طیه، در حقیقت، تبیین کننده مجاری رسیدن به کامل ترین اعتقاد یعنی توحید ناب هستند؛ زیرا ذوات مقدس ائمه معصوم علیهم السلام، مخلصان در یگانه پرستی خدا و دعوت کنندگان سوی او هستند (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۶۰۹/۲) و پذیرش ولایت ایشان، همان توحید کامل است. ولایت انسان موحد و مخلص نیز همان تمسک به توحید کامل است. پس هر کس که به توحید کامل پناه ببرد، موحد شده و به گونه حقیقی، دوستدار اهل بیت علیهم السلام است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۳).

۲-۲-۴. روایات عام مرتبط با «کلمه طیبه»

روایات عمومی (غیرتفسیری) مرتبط با «کلمه طیبه» مصادیقی را برای این عبارت قرآنی بیان می‌کنند که در نهایت می‌توان چنین برداشت کرد «کلمه طیبه» همان اعتقاد راسخ همراه اخلاق و کردار نیک است؛ مانند:

۱. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ مُبَارَكَةٌ مَنْ قَالَهَا مُخْلِصًا نَجَا مِنْهَا وَ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (نوری، ۱۴۰۸: ۳۶۴/۵)؛ عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» مصداق کلمه طیبه مبارکه است که هر کس آن را خالصانه بگوید، نجات یافته و به بهشت می‌رود.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری، مردم را اندرز داده و به ترس از خدا و بیعت با حضرت علی علیه السلام و فرزندان او فراخواندند؛ همان کسانی که مصداق کلمه طیبه هستند: «مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايَعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كَلِمَةً طَيِّبَةً بَاقِيَةٌ يَهْلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۶۶/۱).

۳. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سفارش‌هایی به ابوذر غفاری فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ! الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۶۷)؛ یعنی کلمه طیبه و نیکو سخن گفتن، همچون صدقه دادن به نیازمند، امری پسندیده است؛ زیرا همان‌گونه که بخشش مال به دیگری سبب خوشحالی درونی و رفتن اندوه نیازمند می‌شود، کلام طیب نیز چنین تأثیر مثبتی دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶: ۳۲۹/۸).

به هر روی، با کنار هم قراردادن قرائن پیش‌گفته، می‌توان «کلمه طیبه» را اعتقادی صحیح و گرایش نظری به توحید و ولایت دانست که اخلاق و اعمال پسندیده مانند سخن خوش، صدقه و... از آن عقیده و باور نشأت می‌گیرند.

۵. واکاوی معنای «کلمه طیبه» مستند به قرائن فرامتنی

سوره ابراهیم در اواخر حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مکه، پس از رخداد معراج و اندکی پیش از هجرت آن حضرت به مدینه نازل شده است. بنابراین، زمان نزول آن را می‌توان اواخر سال دوازدهم و اوایل سال سیزدهم بعثت دانست (شرف الدین، ۱۴۲۰: ۲۳۳/۴؛ قرشی، ۱۳۷۵: ۲۶۴/۵).

بر این پایه، استناد به دو مسئله فرامتنی می‌تواند در اثبات معنای «کلمه طیبه» و دلالت آن بر اعتقاد راسخ همراه با اخلاق و کردار نیکو مدد رساند:

۵-۱. مکی بودن سوره

با توجه به مکی بودن سوره ابراهیم، بیشتر معارف آن به مسائل اساسی اعتقادی و خطوط کلی اخلاقی، همچون توحید، نبوت، بیان ویژگی‌های قیامت و... پرداخته (شرف الدین، ۱۴۲۰: ۲۲۵/۴) و نشان می‌دهد که این مسائل، سبب نفوذ ایمان در قلب انسان می‌شود و در پی آن نیز گفتار و کردار انسان، روشنایی گرفته و در مسیر درست قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۶/۴۳). همچنین خطوط کلی معارف سوره ابراهیم بیانگر آن است که قرآن پیامی برای همه مردم و رسول خدا را می‌آورد و معلم توحید است تا اهدافی مهم همچون پی‌بردن مردم به یگانگی خدا و پندگیری صاحبان خرد در پرهیز از هرگونه انحراف اعتقادی و اخلاقی و عملی محقق شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۱۸۷/۴۳). در نتیجه می‌توان گفت «کلمه طیبه» در آیه ۲۴ این سوره، تنها به لفظ و سخن اشاره ندارد و مفهوم اندیشه صائب و مطلوب نیز درون آن نهفته است.

۵-۲. فضای نزول سوره

فضای نزول سوره بیانگر اوضاع عمومی، اوصاف مردمی، رخدادها و شرایط ویژه‌ای است که در زمان فرود آمدن آن وجود داشته است. بنابراین، آشنایی با فضای نزول، در

فهمیدن مضمون آیات سوره سهم بسزایی دارد.

چنان که گذشت، سورة ابراهيم در سال های دوازدهم و سیزدهم بعثت، کمی پیش از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و در فضای شرک آلود مکه نازل شد. در این دوران سخت، کار به دست سران شرک بود و مسلمانان با تحمل شکنجه های توان فرسا، از آیین توحیدی پاسداری می کردند (یعقوبی، بی تا: ۲۹/۲؛ سپهر، ۱۳۸۰: ۴۶۵/۱). با رشد مسلمانان در حدود یک دهه تبلیغ اسلام، صف آراییی میان مشرکان و مسلمانان به اوج خود رسیده بود و تعهدنامه هایی نیز میان جبهه اسلام و کفر بسته شد. نخستین آن، بیعتی بود که در سال دوازدهم بعثت واقع شد (آیتی، ۱۳۷۸: ۱۸۲) و گروهی از مردم حجاز، مسلمان شدند و پیمان بستند که هیچ کس را شریک خدا قرار ندهند و دزدی و زنا نیز نکنند (واقدی، ۱۴۱۸: ۱۷۱/۱). همچنین بیعت دیگری در اوایل سال سیزدهم بعثت رخ داد (آیتی، ۱۳۷۸: ۲۰۱؛ واقدی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۱). با این همه، چون حکومت اسلامی برپا نشده بود، مسلمانان مکه همچنان در حصر سران ستم پیشه قریش قرار داشتند و از نشر معارف اسلام به بیرون از مکه منع می شدند. از سوی دیگر، سختگیری و آزار مشرکان نسبت به مسلمانان شدیدتر شد و زندگی در مکه را برای آنان بسیار طاقت فرسا کرد. از این رو مسلمانان از پیامبر صلی الله علیه و آله رخصت هجرت خواستند و آن حضرت با هجرت ایشان به حبشه موافقت فرمود (سپهر، ۱۳۸۰: ۴۶۶/۱). سپس خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و گروهی از مسلمانان نیز به مدینه هجرت کردند (آیتی، ۱۳۷۸: ۲۰۲).

بر این پایه، خدای حکیم در نزول سورة ابراهيم، بر اثبات الوهیت و ربوبیت خدای یگانه تأکید خاصی دارد و افزون بر آن، جبهه کفر و شرک را تهدید و به بیان اوضاع وخیم آنان در قیامت می پردازد. همچنین برتری توحید و ناپاکی کفر و شرک را در قالب مثالی محسوس بیان می کند تا اعتقاد شرک آلود جامعه را پیراسته و مردم را به سمت زیستی مؤمنانه متمایل گرداند. معرفی ابراهيم بت شکن علیه السلام و بیزاری وی از بت پرستی و خیرخواهی برای اهل مکه در همین راستا معنا می شود.

آری! «کلمه طیبه» در شرایط و اوضاعی نازل شد که بیش‌تر مخاطبان آیه، از اعتقاد ناصحیحی برخوردار بوده و به شرک در باور و عمل دچار بوده‌اند. ازاین‌رو، خدای منان در آیه محل بحث با ذکر تمثیلی عمیق و دقیق مخاطبان خود را به کلمه طیبه یعنی برترین و نیکوترین اعتقاد دعوت می‌کند تا از تاریکی‌های جهل و شرک و کفر، به روشنایی پاکترین باور و معرفت و توحید و ایمان برسند و از آثار نیک و فراوان آن در زندگی همچون اخلاق و کردار نیک بهره‌مند شوند.

به هر روی، بررسی گزارش‌های تاریخی و فضا و جو نزول سوره ابراهیم به مثابه قرائن فرامتنی، تأیید می‌کند که «کلمه طیبه» در پاسخ نیاز مردم به اعتقادی سالم بیان شده و افزون بر برخورداری از معنای لفظ و سخن، مفهوم اندیشه و باور صحیح را نیز می‌رساند و بی‌شک چنین امر مطلوبی، آثار نیکو نیز در رفتار و اخلاق انسان خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

بر پایه قرائن درون‌متنی، بینامتنی و فرامتنی، حقیقت «کلمه طیبه»، به معنای اعتقاد قلبی صحیح همراه با اخلاق و کردار نیک است؛ در بخش قرائن پیوسته و درون‌متنی، با استناد به اقوال واژه‌پژوهان و معناشناسی «کلمه طیبه» روشن شد که آن اعتقادی است که هیچ قذارت ظاهری و باطنی نداشته باشد. در چنین اعتقادی، تزلزلی راه نداشته و راسخ در قلب است. از سوی دیگر، با نظر به اینکه واژه طیب یعنی بهترین از هر چیزی، اعتقاد طیب یعنی صحیح‌ترین اعتقاد که آثار آن در اخلاق و اعمال انسان نمود پیدا می‌کند.

سیاق آیات و قرائن موجود در آن‌ها نشان می‌دهد که «کلمه طیبه» در شرایطی مطرح شده که اکثریت انسان‌ها از اعتقاد ناصحیحی برخوردار بوده و دچار خباثت شرک بوده‌اند. ازاین‌رو، خدا به وسیله این آیه همگان را به گرایش به برترین اعتقاد دعوت کرده است.

بر پایه قرائن بینامتنی و تحلیل خانواده آیات مرتبط و روایات تفسیری ذیل آن‌ها، این نتیجه حاصل شد که کلام طیب و قول طیب و بلد طیب، همه می‌توانند بیانگر اعتقادات صحیحی باشند که شاکله وجودی انسان مؤمن بر مبنای آن شکل می‌گیرد، سپس آثار این اعتقاد در اخلاق و رفتار شخص نمود پیدا می‌کند. همچنین تفاسیر و روایاتی که در آنها تطبیق صورت گرفته، از باب حصر نبوده و فقط بعضی مصادیقی را برشمرده‌اند که می‌تواند در دایره شمول آن‌ها باشد؛ گویا بهترین مصادیق طیب را بیان کرده‌اند.

قرائن فرامتنی و بررسی گزارش‌های تاریخی و فضا و جو نزول آیه و سوره نشان می‌دهد که فضای شرک‌آلودی زمان نزول سوره ابراهیم وجود داشته است؛ بنابراین، «کلمه طیبه» در پاسخ به نیاز مردم به اعتقادی سالم و عملی دور از شرک و به معنای باور صحیح و درستی است که آثار آن می‌تواند در رفتار و اخلاق نیک انسان نمایان شود.

منابع

۱. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: دانشگاه تهران.
۲. ابراهیمی و دیگران، احسان (۱۴۰۱)، «روش تحلیل بینامتنی و فرامتنی روایات تفسیری فریقین»، مجله علوم حدیث تطبیقی، دوره ۹، شماره ۱۷، صص ۱۷۳-۱۹۶.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن درید، محمد بن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۸. ابن یعیش، یعیش بن علی (۱۴۲۲ق)، شرح المفصل للزمخشري، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۹. ابن ابی جامع، علی بن حسین (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم: دار القرآن الکریم.
۱۰. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۱۱. ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۲. ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. امین، نصرت بیگم (بی تا)، تفسیر مخزن العرفان فی علوم قرآن، اصفهان: گلبهار.
۱۴. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، قسم الدراسات الاسلامیه.
۱۵. بروجردی، مصطفی (۱۳۹۷)، تفسیر شمس، قم: بوستان کتاب.
۱۶. ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۱۴ق)، فقه اللغة، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۷. جعفری، یعقوب (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
۱۸. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۶ق)، موسوعة نضرة النعیم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم ﷺ، جده: دار الوسیله.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، فلسفه الاهی از منظر امام رضا علیه السلام، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء.
۲۱. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۷ق)، معادشناسی، مشهد: نور ملکوت قرآن.
۲۲. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
۲۳. خرم دل، مصطفی (۱۳۸۴ش)، تفسیر نور، تهران: احسان.
۲۴. درویش، محالدین (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، حمص: الارشاد.

۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
۲۶. الزرعی، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۷ق)، البدائع فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۸. سپهر، محمدتقی بن محمد علی (۱۳۸۰)، ناسخ التواریخ: زندگانی پیامبر ﷺ، تهران: اساطیر.
۲۹. سدی، اسماعیل بن عبدالرحمن (۱۴۱۴ق)، تفسیر السدی الکبیر، مصر: دار الوفاء.
۳۰. سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی.
۳۱. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۳۲. شرف الدین، جعفر (۱۴۲۰ق)، الموسوعة القرآنية خصائص السور، بیروت: دار التقرب بین المذاهب الإسلامیه.
۳۳. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتب.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی.
۳۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۶. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضی.
۳۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۰. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۴۳. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: مؤسسه دار الهجره.
۴۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۵)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت.
۴۵. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر التمعی، قم: دار الکتاب.
۴۷. کاشانی، فتحالله بن شکرالله (۱۳۴۰)، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۴۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۴۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۵۰. محمدقاسمی، حمید (۱۳۸۲)، تمثیلات قرآن، قم: اسوه.
۵۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۲. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب الإسلامي.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۴. مهنا، عبدالله علی (۱۴۱۳ق)، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. نجفی، محمدجواد نجفی (۱۳۶۴)، تفسیر آسان، تهران: اسلامیة.
۵۶. نسفی، عمر بن محمد (۱۴۴۰ق)، تیسیر فی التفسیر، استانبول: دار الباب للدراسات و تحقیق التراث.
۵۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۵۸. وافدی، ابن سعد (۱۴۱۸ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۹. یاسوف، احمد (۱۴۱۹ق)، جمالیات المفردة القرآنية، دمشق: دار المکتبی.
۶۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ یعقوبی، قم: دار الاعتصام.